فرهیختگان
farhikhteganonline
WWW.FDN.IR

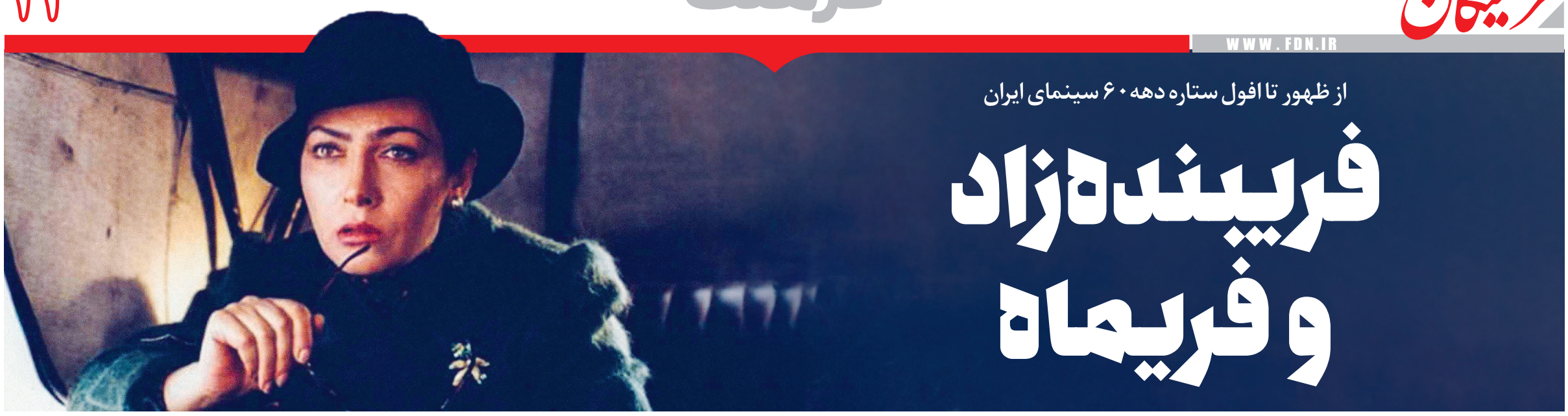

از ظهور تا افول ستاره دهه ۶۰ سینمای ایران

فریبنده‌زاد و فریماه

مریم فضائلی

یکی از خاطره‌انگیزترین دوران‌های تاریخ سینما، دهه ۶۰ و ۷۰ بود که در آن بسیاری از بازیگران مطرح این صنعت جذاب، شروع به کار کردند. فریماه فرجامی یکی از بازیگران نام‌آور این دو دهه محسوب می‌شود که خیلی‌ها او را به خاطر چهره‌اش به یاد دارند. چشم‌هایی رنگی، ابروهایی که اخمی نهفته دارند و نگاهی نافذ که چهره‌ای خاص می‌سازد. فریماه فرجامی متولد ۱۸ اردیبهشت سال ۱۳۳۱، پس از یک دوره بیماری که درنهایت به کما منجر شد، شامگاه نهم تیرماه ۱۴۰۲ در سن ۷۱ سالگی در اثر سکته درگذشت.

فرجامی ابتدا با گویندگی نمایش‌های رادیویی و بازی در نمایش تلویزیونی «آدمک مومی» فعالیت هنری خود را شروع کرد اما زیبایی او راهش را به سینمای ایران هموارتر کرد و فرجامی پس از انقلاب با فیلم سینمایی «گفت هر سه نفرشان» وارد سینما شد. دو فیلم اول فرجامی با نام‌های «گفت هر سه نفرشان» به کارگردانی غلامعلی عرفان و «خط قرمز» با کارگردانی مسعود کیمیایی در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ ساخته شدند. هر دوی این فیلم‌ها به دلیل باحجاب نبودن فریماه فرجامی تا سال‌های سال پخش نشدند. در آن سال‌ها هنوز قواعد ممیزی در کشور مشخص نبود و این دو فیلم هم قربانی آن وضعیت بودند.

به‌طوری که گفت هر سه نفرشان در سال ۱۳۹۹، یعنی بعد از ۴۰ سال به‌وسیله پخش در اینترنت به نمایش غیررسمی درآمد. انگار این فیلم فقط ساخته شده بود تا چهره و زیبایی سینمایی فرجامی را در قامت زن لهستانی نشان بدهد. همزمان با پایان فیلمبرداری فیلم خط قرمز در سال ۱۳۶۰، قانون حجاب تصویب شد و باعث شد که این فیلم بعد از ۳۷ سال توقیف و درنهایت در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۹۷ اکران شود.

او در مسیر هنری‌اش با کارگردان‌های بنام مانند مسعود کیمیایی در فیلم‌های «خط قرمز»، «تیغ ابریشم» و «سرب»، داریوش مهرجویی در «اجاره‌نشین‌ها» و «لامینور»، رخشان بنی‌اعتماد در «نرگس»، فریدون جیرانی در «آب و آتش»، واروژ کریم‌مسیحی در «پرده آخر» و علی حاتمی در «مادر» و بسیاری دیگر از کارگردانان کار کرده است. فرجامی در سال ۱۳۸۹ پس از سال‌ها نبودن و حتی فراموش شدن، در گفت‌وگویی که با فریدون جیرانی و نیما حسنی‌نسب در برنامه «هفت» داشت، باعث شد که خیلی‌ها نگران حال نه‌چندان خوبش شوند و افسوس آن همه زیبایی را بخورند که رو به زوال می‌رفت.

او در مصاحبه‌اش با برنامه هفت درباره کار کردنش با مسعود کیمیایی می‌گوید: «من افتخارم این است که با اساتید بزرگ سینما کار کرده‌ام، از تئاتر شروع کردم و به سینما ختم شد. عاشق بازیگری هستم و تمام تلاشم این است که زندگی‌ام را بگذارم برای سینما و تئاتر ایران. اولین برخورد من با مسعود کیمیایی در تئاتر «شب بیست‌ویکم» به نویسندگی و کارگردانی محمود استادمحمد بود. این تئاتر، روبه‌روی بازارچه صفویه به اجرا درمی‌آمد و من با مرحوم خسرو شکیبایی هم‌بازی بودم. اولین دعوت من برای سینما از طرف مسعود کیمیایی انجام شد.»

مسعود کیمیایی که در فیلم خط قرمز یکی از نقش‌های کلیدی را به فریماه فرجامی سپرده بود، در رشد و پیشرفت این بازیگر بسیار می‌توانست موثر باشد، اما به دلیل پخش نشدن این فیلم سینمایی تمام زحمات آنها بر باد رفت.

او در همان مصاحبه مشهور و جنجالی برنامه هفت، درباره سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن برای بازی در پرده آخر گفته بود: «من از واروژ کریم‌مسیحی خیلی یاد گرفتم، برای اینکه اولین کارگردانی است که ریتم را می‌شناسد. واروژ کار را دست خودمان می‌سپرد و از استعدادهای خودمان استفاده می‌کرد.» وی درباره لحظه‌ای که سیمرغ را گرفت می‌گوید: «من آن بالا پرواز می‌کردم و برای من آن کار درخشان بود.»

فرجامی همچنین درباره نقش آفاق فیلم نرگس گفته بود: «من اولین بار که رخشان بنی‌اعتماد را دیدم گفتم وای! کارگردان زن! من هیچ‌وقت با او کار نمی‌کنم. چون می‌ترسیدم که بگوید این کار را بکن و این کار را نکن، اما او اولین زنی بود که کار را به خودم سپرد. او چقدر استاد بود و من از او چقدر یاد گرفتم.»

در این گفت‌وگو سوالی از فرجامی می‌پرسند که آیا هنوز اشتیاق بازی برای شما وجود دارد و می‌گوید: «بله، اما با آدم‌های خاص. کم کار می‌کنم اما دوست دارم که خوب کار کنم... بازی برایم مهم است نه ژست گرفتن.» با این حال فرجامی پس از اینکه دوران اوج خود را گذراند، ۱۲ سال بعد را در کارهای نه‌چندان خاص به ایفای نقش پرداخت.

این گفت‌وگوی پرجنجال درنهایت باعث شد امین تارخ و فاطمه معتمدآریا ناراحت شوند و امین تارخ در همان برنامه گفت برای برنامه هفت متاسف است که بازیگری را در این ظاهر و شرایط نشان می‌دهد و امکان قضاوت درمورد او را فراهم می‌کند.

پس از این اتفاق، فرجامی تا مدت‌ها دوباره از نظرها دور بود تا اینکه در لامینور مهرجویی نقشی بسیار کوتاه بازی کرد. روزی که خبر درگذشت فرجامی منتشر شد، تصویر و صدای مشهوری از او در فضای مجازی منتشر شد که مربوط به فیلم سینمایی مادر است. چهره این بازیگر فقط امضای او نبود، بلکه بازی و اجرایش که متناسب با هر نقش به اجرا درمی‌آمد او را خاص‌تر و معروف‌تر می‌کرد. او در نرگس، یک زن احساسی و شکست‌خورده و در مادر یک زن قوی و باانگیزه بود. حتی او در اجاره‌نشین‌ها، با اینکه ژانر کمدی-درام داشت، توانست رد خوبی از خود به جای بگذارد.

فریماه فرجامی حدود دو ماه پیش از پایان عمرش دچار سکته مغزی شد و پس از اینکه کمی حالش بهتر شد، درمان را تحت نظر پزشک در خانه ادامه داد. اما دوباره بر اثر سکته به بیمارستان رفت و بعد از چند روز کما در شب جمعه، ۹ تیر ماه ۱۴۰۲ در سن ۷۱ سالگی در گذشت.

بعد از فوت وی، انجمن بازیگران سینمای ایران پیام تسلیتی به شرح زیر صادر کرد: «بانوی باوقار و هنرمند سینما و تئاتر کشورمان، سرکار خانم فریماه فرجامی پس از تحمل دوران سخت و طولانی بیماری چشم فروبست و به آرامش جاودان پیوست.»

درباره «نگهبان شب»

فیزیک میرکریمی و ذهن فرهادی

سیدجواد نقوی
خبرنگار گروه اندیشه

«نگهبان شب» میرکریمی این روزها در سینما در حال نمایش است. فیلمی که علی‌الظاهر دوازدهمین اثر میرکریمی است و حالا باید بوی پختگی دهد یا به تعبیری دیگر نباید شاهد کاری باشیم که به علت کارهای ابتدایی کارگردان ضعف‌های فرمی و محتوایی در آن مشاهده شود؛ با این حال این فیلم، فیلمی مثل دیگر فیلم‌های میرکریمی نیست و فاصله زیادی از نگاه کارگردان دارد. اما چرا؟

میرکریمی در فیلم‌های گذشته خود مثل یک حبه قند، به همین سادگی، خیلی دور خیلی نزدیک، زیر نور ماه و... نشان داده بود که سوژه را با دقت بالایی شناسایی کرده است و اثر در تلاشی برای معرفی سوژه‌های مدنظر خود به مخاطب است؛ به‌طور مثال او در فیلم زیر نور ماه نشان می‌دهد که با زندگی طلاب آشنا است و حداقل نوع روایت‌گری او نشان‌دهنده نزدیک شدن به سوژه‌ای است که در حال معرفی او است. اما در فیلم نگهبان شب گویی میرکریمی یا دقت و پژوهش کافی را انجام نداده است یا با لنزی شبیه سینمای متاخر اروپا که نوعی روایتگری خام با پیش‌فرض‌هایی خاص را هدف قرار می‌دهند قصد داشته کار آخر خود را جلوی دوربین بیاورد.

نگهبان شب علی‌الظاهر درباره فقر و نابرابری و توسعه شهری می‌خواهد بحثی را صورت دهد تا به‌عنوان یک کار اجتماعی به بیننده فیلم پیام‌هایی را منتقل کند اما نه‌تنها هیچ پیامی را نمی‌تواند ارسال کند بلکه حتی باعث می‌شود مخاطب دچار آشفتگی شود و فهمش از مسائل در وضعیت غیرقابل‌باوری قرار بگیرد.

به نظر می‌رسد نگهبان شب میرکریمی دو ضعف بزرگ دارد.

۱. او نتوانسته مساله فقر و نابرابری و توسعه شهری را خوب متوجه شود و بیشتر از آنکه آنها را با واقعیت روایت کند برساختی از فقر و نابرابری را معرفی می‌کند.

۲. لنز کارگردان شبیه فیلم‌های اصغر فرهادی از برتری امر روزمره و عدم قضاوت رنج می‌برد.

درمورد بحث اول؛ مساله فقر و نابرابری بیش آنکه به شیوه روایت کردن مربوط باشد به نوعی به شیوه درک کردن مربوط است و از پیچیدگی خاص برخوردار است، به همین خاطر میرکریمی اصلا نتوانسته این پیچیدگی را درک کند و سعی کرده است مثل آثار دیگرش سادگی را در هنگام روایت‌گری اصل قرار دهد درحالی که سادگی لنز نوعی ضعف است به این مضمون که فقر را نوعی جذابیت نشان داده است و گویی فقر برای مخاطب نه به‌مثابه دردی اجتماعی بلکه به شرایطی اختصاص دارد که می‌توان آن را با جذابیت روایت کرد و حتی از سوژه فقر و نابرابری نوعی موقعیت خلق کرد که مخاطب بیش از آنکه به چرایی فقر و نابرابری فکر کند به حسی نوستالژیک از محلات مستضعف و روابط انسانی آنها به‌عنوان رابطه‌های با حس مطلوب پی ببرد. به نظر می‌رسد چنین روایتی از میرکریمی از عدم آشنایی او با این مساله است، به نوعی که او سعی کرده سوژه فقر را به نوع روایت‌گری خاص خود نزدیک کند و فقر را در دل همان روایت‌های مینیمال و ساده و صمیمی که در بسیاری دیگر از کارهای او واقعی و با کیفیت ارائه شده است نزدیک کند در حالی که این مدل پردازش قطعا نمی‌تواند واقعی باشد. برای اینکه بدانیم اینگونه قصه‌گویی میرکریمی چقدر از واقعیت فاصله دارد کافی است به عمده پژوهش‌هایی که در حوزه فقر و حاشیه‌نشینی انجام شده است توجه کنیم. این پژوهش‌ها نشان می‌دهد مساله فقر در دهه‌های گذشته دیگر شکل کلاسیک خود را به همراه ندارد و نوعی سیالیت را شامل می‌شود؛ یعنی طبقات فرودست صرفا با سادگی و افرادی که توان دفاع از خود را ندارند شناسایی نمی‌شوند بلکه آنها طردشدگان طبقات و سیاست‌ورزانی هستند که آنها را در مناسبات حل کرده و اصلا منطقی به‌عنوان اعتراض و بیان اهداف خود نمی‌توانند جست‌وجو کنند و این دقیقا همان حالتی است که میرکریمی اصلا به آن توجه نکرده است. او به جای فهم پیچیدگی‌های فقر آن را به آنچه خودش برداشت کرده و همیشه از آن روش برای قصه‌گویی بهره جسته نزدیک کرده است. این تقلیل گرایی در ساحت فقر و نابرابری نوعی ضعف است و میرکریمی به جای آنکه مخاطب را با عمق این درد آشنا کند به طرز عجیبی سعی کرده فقر را حتی جذاب نشان دهد یا دوست داشتن انسان‌های فقیر را به جای فهم درد آنها روایت کند. این جابه‌جایی در این فیلم یکی از اشکالات اصلی کار است که به نظر می‌رسد به این جهت روی داده است که کارگردان تصور و درکی از آنچه قرار است در قاب سینما کار کند نداشته و شخص اول فیلم که به نام رسول است در جای جای فیلم نه‌تنها دغدغه‌مندی انسان فقیر و نابرابر در توسعه شهری را نمی‌تواند بازی کند، بلکه بیشتر نوعی فقیر دوست‌داشتنی است که باید او را در لابه‌لای این شهر نامتوازن دوست داشت و با او هم‌زیستی کرد و او را در موقعیت یک شهروند کم‌برخوردار قرار داد.

اما بحث دوم؛ شاید بتوان گفت اشکال حاشیه‌ای فیلم نگهبان شب عدم درک پیچیدگی‌های نابرابری و فقر است. عمده ضعف این فیلم برتری امر روزمره و عدم قضاوت درباره همه موقعیت‌ها و مکان‌ها است. گویی دست‌نامرئی اصغر فرهادی در سینما خودش را تا مغز استخوان فیلم‌های دیگر رسانده است و سینمای رضا میرکریمی را هم تحت‌شعاع قرار داده است. سینمای فرهادی همیشه سعی می‌کند بدون هیچ دخل و تصرفی نشان دهد زندگی در جریان است و انسان‌های در این زندگی هرکدام از زاویه خود حق آزادی و حق آنچه دوست دارند را می‌توانند بیان کنند و کارگردان بدون دخل و تصرف در چنین شرایطی بهترین کارش این است که به بهترین شکل شخصیت‌ها و تیپ‌هایی را خلق کند که مشابه زندگی روزمره واقعی جلوه دهند. این نگاه، به نوعی واقعی نشان دادن همه میزانسن‌ها و بازی‌ها، باعث خواهد شد مخاطب منطق زندگی روزمره را بپذیرد و حال اگر جریان فیلم به هر سمتی حرکت کند او باید در تفسیر خود از لنز زندگی واقعی توجه کند. در این هنگام آنچه اهمیت دارد، وقتی کارگردانی تلاش کند زندگی روزمره و منطق آن، نوعی حقیقت یا به تعبیری نوعی دقت گرایی را نشان دهد، این خود یک برساخت است و باعث می‌شود تک تک سوژه‌ها و رفتارها و حتی عناصر داستانی که قرار است تبدیل به فرم‌های خاصی شوند قابل تفسیر به رای و لنز فردی شوند. به جهتی نسبی گرایی افراطی شکل می‌گیرد. در این شرایط دیگر بحث خیر و شر معنی ندارد و تمام شخصیت‌های داستان خاکستری هستند. در نتیجه قضاوت هم اعتبارزدایی می‌شود؛ این شکل قصه‌گویی و روایت‌گری دقیقا همان شیوه‌ای است که اصغر فرهادی در سینمای ما باب کرده است. در اینگونه فیلم‌سازی مخاطب به ریزمولکول‌هایی تبدیل می‌شود که هر آنچه نسبت به زندگی روزمره خودشان دوست دارند و برای آنها مفید است را به‌عنوان پیام از فیلم برداشت می‌کند. این شرایط دقیقا به معنی برتری امر روزمره بر هرگونه حقیقت‌جویی و حقیقت‌طلبی یا دفاع از مفاهیمی مثل حق است. در واقع می‌توان چنین برداشت کرد که ظاهرا میرکریمی با لنز جدید خودش که خیلی شبیه به لنز امثال فرهادی سینمای اروپا است، به جای آنکه به دنبال احیای انسان فرودست یا درک بهتری از انسان‌های فرودست باشد، قضاوت آنها را به مخاطب از طبقات مختلف سپرده است که چنین مساله‌ای به‌شدت از کارگردانی که سال‌های زیادی دغدغه معنویت و احیای معنویت با عقلانیت داشته عجیب است و حتی قابل پذیرش نیست.

اگر بخواهیم میرکریمی را صرفا به‌عنوان کارگردان نگهبان شب نقد نکنیم و او را در یک کل منسجم فهم کنیم، باید بگوییم به‌عنوان کارگردانی که هیچ‌گاه قصد نداشته تصاویر اگزوتیکی از جامعه نشان دهد یا روایت‌گری‌هایی انجام دهد که دور از واقعیت باشد و به‌عنوان کارگردانی که همیشه دغدغه‌های بومی و با تم‌های مذهبی داشته، کار آخر میرکریمی از کارهای گذشته‌اش به‌شدت فاصله گرفته است. اما خطری که سینمای کشور را بیشتر تهدید می‌کند این است که روزبه‌روز این ضعف‌های میرکریمی به‌عنوان یک تیپ مطلوب مورد توجه قرار گیرد. چنین سینمایی دیگر نمی‌تواند دغدغه‌های اجتماعی و ملی را بیان کند بلکه فقط سعی خواهد داشت در فرم‌هایی ثابت سینما را نماینده تکثر نشان دهد؛ حال آنکه بیان تکثر بدون دقت نظری و تئوریک و چرایی آن قطعا راهشگا نیست و فقط در بلندمدت تبدیل به نوعی فرم ایدئولوژیک می‌شود که خود سینما به‌عنوان هنر هفتم را نقض خواهد کرد؛ چراکه سینما ذاتا هنری است، نه فرم‌های ثابتی که شبیه به بروکراسی فقط پیاده‌سازی می‌شود.

گواهینامه موقت فارغ التحصیلی اینجانب محمود شمیاتی فرزند شعبانعلی به شماره شناسنامه ۵۶۴ و شماره ملی ۰۴۹۱۹۴۳۳۴۲ صادره از شهرری در مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی صادره از واحد دانشگاهی تهران شمال مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه موقت را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال به نشانی تهران- بزرگراه شهید بابایی (غرب به شرق)- خروجی حکیمیه -خیابان شهید صدوقی- بلوار وفادار-دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ارسال نماید.

✦✦✦

مدرک تحصیلی گواهینامه موقت پایان تحصیلات مقطع «کارشناسی ارشد» رشته «علوم سیاسی» به شماره سریال «۱۰۷۱۵۳۴» صادره از دانشگاه آزاد اسلامی «واحد زنجان» متعلق به «آمنه عالم راثی» به شماره ملی «۱۴۶۶۰۸۷۲۷۷» مفقود گردیده است. از یابنده درخواست می‌شود اصل مدرک را به آدرس زنجان – بلوار دانشجو - جاده اراضی پائین کوه - دانشگاه آزاد اسلامی زنجان ارسال نماید.

✦✦✦

مدرک تحصیلی گواهینامه موقت پایان تحصیلات مقطع «کارشناسی ارشد ناپیوسته» رشته «مدیریت بازرگانی - بازاریابی» به شماره سریال «۴۱۷۳۴۲۸» صادره از دانشگاه آزاد اسلامی «واحد زنجان» متعلق به «رضا رحیمی» به شماره ملی «۴۲۸۴۷۲۱۴۲۹» مفقود گردیده است. از یابنده درخواست می‌شود اصل مدرک را به آدرس زنجان – بلوار دانشجو - جاده اراضی پائین کوه - دانشگاه آزاد اسلامی زنجان ارسال نماید.

✦✦✦

برگ سبز و فاکتور فروش کارخانه خودرو پژو پارس مدل ۹۸ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۰۱۶۵۶۰۶ B۱۳۹ و به شماره شاسی NAAN ۱۱ FE ۹ KH ۰۰۴۴۱۳ و به شماره پلاک ۱۴ – ۶۹۱ س ۱۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

✦✦✦

نوبت اول

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی
s.p.g.c

مجتمع گاز پارس جنوبی پالایشگاه دهم (فاز ۱۹)
آگهی فراخوان ارزیابی کیفی غیریکپارچه جهت برگزاری مناقصه عمومی دومرحله‌ای

مجتمع گاز پارس جنوبی پالایشگاه دهم (فاز ۱۹) در نظر دارد، فراخوان ارزیابی کیفی غیریکپارچه جهت برگزاری مناقصه عمومی دومرحله‌ای شماره R۱۰/۱۴۰۲/۰۰۶ تقاضای ۴۰-۰۱۰۰۴۲۳ به شماره فراخوان در سامانه ستادایران: ۲۰۰۲۰۹۷۶۸۴۰۰۰۰۳۹ وشرح: خرید؛ KV کنترل ولوهای واحد ترین و تریتمنت-الزاما ساخت داخل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. جدول زمان‌بندی به شرح ذیل می‌باشد. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه‌گران ارسال خواهد شد. برآورد مناقصه: ۲۴۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و تضمین فرآیند ارجاع کار: ۱۰,۸۴۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشد. تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به‌صورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین‌نامه تضمین شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ه مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران قابل قبول خواهد بود. جدول زمان‌بندی:

ردیف	اقدام	تاریخ
۱	تاریخ انتشار مناقصه در سامانه	۱۴۰۲/۰۴/۱۳
۲	مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه	۱۴۰۲/۰۴/۱۸
۳	مهلت زمانی ارسال ارزیابی کیفی توسط مناقصه‌گران	۱۴۰۲/۰۵/۰۱

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گذار: آدرس: استان بوشهر- شهرستان کنگان- کیلومتر ۲۰ جاده کنگان به عسلویه- سایت ۲ منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس- پالایشگاه دهم- فاز ۱۹، اداره خدمات کالای پالایشگاه دهم، تلفن: ۰۷۷۳۱۴۶۶۲۹۰-۰۷۷۳۱۴۶۶۲۸۳- فکس: ۰۷۷۳۱۴۶۶۲۷۳ تاییدیه فکس: ۰۷۷۳۱۴۶۶۲۷۱ اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۴۱۹۳۴-۰۲۱- دفتر ثبت‌نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸ اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استان‌ها، در سایت سامانه www.setadiran.ir

شماره شناسه ۱۵۲۰۴۲۸

روابط عمومی مجتمع گاز پارس جنوبی